

مسئولیت بین المللی نشأت از اعمال منع نشده (فعل) در امور و حقوق بین الملل

نویسنده میلاد گروسی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی تهران

چکیده

به موازات نظریات مسئولیت بین المللی کلاسیک، امروزه نظریه متضاد و جدیدی در این خصوص (نظریه مسئولیت اعمال منع نشده) ارائه گردیده است. برخلاف نظریات گذشته در مورد خطاء و خطر که موجب جبران خسارت می شد یعنی ابتدا باید تعهد بین المللی نقض می شد سپس جبران خسارت شود. در نظریه جدید، ترمیم و جبران خسارت، یک تعهد اولیه است و منوط به تحقق عمل خلاف نیست لذا صرف ورود خسارت از سوی کشوری برای ایجاد مسئولیت کافی است هر چند که رفتار یا عمل صورت گرفته از نظر حقوق بین الملل مجاز دانسته شود. عوامل زمینه ساز ایجاد این نظریه، انطباق با شرایط جدید، فعالیت های مجاز کشورها و عوامل زیست محیطی می باشند. در مقایسه با نظام مسئولیت بین المللی دولت ها برای اعمال متخلفانه بین المللی، مشخص می گردد که حقوق بین الملل در زمینه جبران خسارات ناشی از فعالیت های منع نشده در حال تجربه رویکردهای جدید و متفاوتی است؛ شناخت این رویکردها و مطالعه علل پیدایش آن ها به درک قواعد در حال آشکار نظام مسئولیت در این موارد کمک فراوانی خواهد کرد؛ ۳ رویکرد پیشگیری، خصوصی سازی و جمعی کردن مسئولیت ها، رویکردهای اصلی نظام حقوق بین الملل در جبران خسارات ناشی از اعمال منع نشده هستند.

واژگان کلیدی: مسئولیت بین المللی، جبران نقض، خسارت، فعالیت های جدید، زیست محیط

مقدمه

حقوق عرفی مسئولیت بین المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین المللی بیش از نیم قرن تلاش بی وقفه، کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۲۰۰۱ با طرح مواد مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین المللی تدوین شد. با گزینش اعمال متخلفانه به عنوان مبنای مسئولیت بین المللی دولت‌ها، تنها خساراتی را قابل جبران می‌داند که در اثر نقض تعهدات بین المللی وارد می‌شوند حال آنکه خساراتی قابل تصورند که بدون ارتکاب تخلف بین المللی وارد می‌گردند؛ خسارت‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک یا پرخطر نظیر فعالیت‌های هسته‌ای یا حمل و نقل نفت در دریاها که در عمل بدون ارتکاب فعل متخلفانه بین المللی باعث ایراد خسارت می‌شوند. ماحصل فعالیت کمیسیون در موضوع یاد شده، تصویب ۲ طرح پیشنهادی پیشگیری از آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک سال ۲۰۰۱ و طرح اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک به سال ۲۰۰۶ می‌باشد. هر چند کمیسیون حقوق بین الملل در تدوین این طرح‌ها، راه توسعه حقوق بین الملل را پیش گرفته اما تا حدود زیادی از رویکرد دولت‌های عضو کنوانسیون‌های خاص جبران خسارت از برخی فعالیت‌های خطرناک نو ترکیب ژنتیکی الهام گرفته است. بررسی طرح‌های فوق الذکر و رژیم‌های مندرج در کنوانسیون‌های مزبور و مقایسه آن‌ها با نظام مسئولیت بین المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین المللی اهم جلوه می‌نماید.

رویکرد پیشگیری از وقوع اعمال منع نشده دارای خسارت

طبق تقسیم بندی نظریه Hart از قواعد حقوقی، قواعد مسئولیت در زمره قواعد ثانویه (تعیین، اصلاح و اعمال قواعد اولیه) قابل مقوله‌بندی است در حالیکه قواعد اولیه قواعدی هستند که مستقیماً به تنظیم و کنترل رفتار پرداخته و تعهدات تابعین حقوق بین الملل را معین می‌سازند. کمیسیون حقوق بین الملل نیز در زمان تهیه و تدوین طرح مواد مسئولیت دولت برای اعمال متخلفانه بین المللی، ویژگی ثانوی مواد را در نظر داشته که با این همه، حداقل به ۲ دلیل چرخش آشکاری در رویکرد کمیسیون قابل مشاهده است:

۱ - تجربه و تخصص علمی ثابت می‌کند که چه به دلیل اکولوژیکی و چه به دلیل اقتصادی، پیشگیری، قاعده طلائی حقوق در موضوع‌هایی مهم از جمله محیط زیست است؛ در برخی موارد در صورت ورود آسیب به محیط زیست جبران آن غیرممکن است. انقراض گونه‌های جانوری یا گیاهی، فرسایش و تخلیه آلاینده‌های پایدار در دریا، وضعیت‌های مہارنشدنی و غیرقابل بازگشتی را بوجود می‌آورد حتی زمانی که آسیب قابل جبران باشد، هزینه‌های جبرانی احیای محیط زیست بسیار بالاست همچنین خسارت‌های زیست محیطی تا دهه‌ها آشکار نمی‌شود. کاهش لایه ازن و گرمایش جهانی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای در شمار این نوع خسارت‌ها هستند که میراث شوم عصر صنعتی شدن قرن ۱۹ می‌باشند.

۲ - برخلاف مورد مسئولیت برای اعمال متخلفانه، قواعد حقوق بین الملل در قواعد اولیه مربوط به اعمالی که هنوز منع نشده اما زیانبار هستند، کمتر توسعه یافته است. مطالعه وقایع حقوقی منتهی به خسارت‌های فرامرزی نشان می‌دهد که چگونه حقوق بین الملل می‌تواند با توسعه قواعد اولیه در این موارد، به گسترش قلمرو اعمال نظام مسئولیت بین المللی برای اعمال متخلفانه نائل شود؛ نظامی که در مقایسه با نظام مسئولیت برای اعمال غیرممنوعه از هر جهت در راستای توسعه، کامل تر است. پیشگیری فقط از طریق توسعه قواعد اولیه در بطن قواعد مسئولیت پی گرفته نشده بلکه مطالعه رژیم‌های خاص مسئولیت از یک طرف و طرح تخصیص زیان سال ۲۰۰۶ به همراه دکتترین از طرف دیگر نشان دهنده این رویکرد است که دولت‌ها از نظریه مسئولیت محض به مثابه سازکاری پیشگیرانه سوق جسته‌اند.

توسعه قواعد اولیه در بستر تدوین قواعد مسئولیت

چند حادثه زیست محیطی مانند قضیه نشت نفت خام از کشتی توری کانپون در نزدیکی سواحل بریتانیا در سال ۱۹۶۷ و سقوط ماهواره شناسایی کاسموس شوروی در خاک کانادا در سال ۱۹۷۹ توجه دولت‌ها و همچنین کمیسیون حقوق بین‌الملل را که در حال تدوین قواعد مسئولیت بین‌المللی برای اعمال متخلفانه دولت‌ها بود به لزوم توسعه حقوق مسئولیت برای اعمال منع نشده بین‌المللی، جلب نمود. در ۲ حادثه مزبور متصدیان فعالیت‌های خطرناک، مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی نشده بودند. نتیجه پیرو، رژیم‌های قراردادی برای جبران خسارت در موضوع‌های متعددی نظیر فعالیت‌های فضایی، نفتی و هسته‌ای ایجاد شد و توسعه یافتند. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز بنا به توصیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مسئولیت بین‌المللی برای اعمال منع نشده را رسماً از سال ۱۹۷۸ در دستورکار قرار داده بود. دولت‌های درگیر با مسأله خسارت‌های فرامرزی باید برای پیشگیری از آسیب‌های آن‌ها، قبل از شروع فعالیت برای جبران خسارت‌های احتمالی پس از فعالیت، موافقتنامه‌هایی منعقد کنند، صرف‌نظر از ممنوعیت یا مجاز بودن فعالیت، هر دولتی که مطابق تعهدات قراردادی خود رفتار نکند بواسطه نقض قاعده اولیه (تعهدات ناشی از موافقتنامه) دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود اما توجه به مشکلات موجود در شناسایی دولت مبدأ آسیب و دولت‌های آسیب دیده ضروری است با این حال در خسارت‌های زیست محیطی فرامرزی همواره امکان خسارت‌های چندگانه و متقابل وجود دارد، از این رو شناسایی و تفکیک دولت‌های مبدأ آسیب و زیان‌دیده لزوماً امر ساده‌ای به شمار نمی‌رود. انعقاد، موافقتنامه میان دول درگیر در آسیب‌های فرامرزی مبتنی است اما در صورت عدم تمایل دولت مبدأ فعالیت خطرناک به انعقاد موافقتنامه با دولت‌های در معرض خسارت، خسارات احتمالی چگونه جبران خواهد شد؟! در مواردی که دولت‌های درگیر قبل از فعالیت موفق به انعقاد موافقتنامه‌ای برای جبران خسارات احتمالی نشده باشند، تعهد به جبران خسارت موضوع قابل مذاکره‌ای میان دولت‌های درگیر خواهد بود.

مسئولیت مرکب (خصوصی یا دولتی) متصدی فعالیت زیانبار و دولت مبدأ زیان (نظریه خطر) مسئولیت اولیه جبران خسارت به عهده متصدی فعالیت خطرناک، دارای آثار فرامرزی است که می‌تواند بخش خصوصی یا دولتی باشد؛ اگر به هر دلیلی از زیان‌دیده رفع خسارت نشود، دولت مبدأ خسارت، برای جبران خسارت وارده مسئولیت غایی خواهد داشت زیرا این دولت مجوز اولیه فعالیت خطرناک شخص حقوقی را صادر کرده است اما توانان، پیشگیری بهتر از مسئولیت می‌باشد.

کمیسیون از ۱۹۹۸ بعد از چندین سال بررسی، مطالعات سابق و بویژه گزارش‌ها سرانجام در سال ۲۰۰۶ طرح اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک را تصویب کرد که به عنوان مکملی برای طرح پیشگیری به دنبال تدوین اصول و قواعد عمومی حاکم بر جبران خسارت فرامرزی ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل و ضمن شناسایی مسئولیت اولیه برای متصدیان فعالیت‌های خطرناک، برای دولت‌ها جهت جبران کافی خسارات، مسئولیت غائی در نظر گرفته است؛ این طرح در کنار توسعه حقوق مسئولیت بین‌المللی به تدارک قواعد اولیه‌ای دست زد که هدف اصلی آنها ایجاد تعهدات بین‌المللی برای دولت‌ها برای اطمینان از جبران فوری، کافی و مؤثر خسارات زیست محیطی است؛ در این راستا، اصل ۴ برای غرامت کافی و سریع مقرر می‌دارد:

۱. هر دولتی باید با اتخاذ اقدامات ضروری از دسترسی به غرامت فوری و کافی برای قربانیان خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک واقع در قلمرو سرزمینی دولت یا در دیگر سرزمین‌های تحت صلاحیت یا کنترلش، اطمینان حاصل کند.
۲. این اقدامات باید شامل تحمیل مسئولیت به متصدی یا در صورت اقتضا به دیگر اشخاص و واحدها شود. چنین مسئولیتی نباید مستلزم اثبات تقصیر باشد و هر شرط، محدودیت یا استثناء به چنین مسئولیتی بایستی با اصل ۳ پیشنهادی هماهنگ باشد.

۳. این اقدامات باید همچنین شامل الزام متصدی و در صورت اقتضا دیگر اشخاص و واحدها، به ایجاد و نگهداری تأمینات مالی از قبیل بیمه، ضمانت‌ها یا دیگر تضمین‌های مالی به منظور پوشش دادن به دعاوی غرامت باشد.

۴. در موارد مقتضی این اقدامات باید شامل الزام به تأسیس صندوق‌های جمعی صنعتی در سطح ملی باشد.

۵. در مواردی که اقدامات مندرج در بندهای قبلی برای تأمین غرامت کافی، ناکافی است، دولت منشأ همچنین باید از در دسترس بودن منابع مالی تکمیلی اطمینان حاصل کند.

تعهدات دیگری نیز در اصل ۵ با عنوان اقدامات واکنشی قابل مشاهده است؛ به موجب این اصل به محض وقوع حادثه‌ای مرتبط با فعالیتی خطرناک که به خسارتی فرامرزی منتهی شده یا دارای چنین امکانی باشد:

الف - دولت منشأ باید فوراً تمام دولت‌های متأثر یا دولت‌هایی که احتمال دارد تحت تأثیر قرار گیرند را از حادثه و آثار احتمالی خسارت فرامرزی آگاه نماید.

ب - دولت منشأ با همراهی مقتضی متصدی باید اطمینان حاصل کند که اقدامات واکنشی مقتضی اتخاذ شده و برای نیل به این هدف بر بهترین داده‌های علمی و تکنولوژی موجود اتکا کند.

ج - در صورت اقتضا، دولت منشأ باید با تمامی دولت‌های متأثر یا دولت‌هایی که احتمال دارد تحت تأثیر قرار گیرند به منظور کاهش اثرات خسارت فرامرزی و در صورت امکان حذف چنین آثاری رایزنی کرده و خواستار همکاری آنها شود.

د - دولت‌های متأثر یا دولت‌هایی که احتمال دارد تحت تأثیر خسارت فرامرزی قرار گیرند باید تمامی اقدامات ممکن به منظور کاهش و در صورت امکان، حذف آثار چنین خسارتی را اتخاذ کنند.

ه - در صورت اقتضا، دولت‌های مرتبط باید براساس شرایط و قیود مورد پذیرش دوجانبه، کمک سازمان‌های بین‌المللی ذی صلاح و دیگر دولت‌ها را خواستار شوند.

دولت‌ها در پاسخگویی به برخی از حوادث بین‌المللی و یا به منظور اطمینان از ایمنی انسانی و زیست محیطی در برابر خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک آنها را تصویب کرده‌اند هر چند بسیاری از این تعهدات دارای خصیصه قراردادی بوده و فقط علیه دولت‌های عضو کنوانسیون‌های دربردارنده چنین تعهداتی قابل استناد هستند اما امروزه برخی از این تعهدات و بویژه تعهدات برآمده از اصل پیشگیری، اصل اطلاع‌رسانی و تعهد دسترسی به عدالت به منظور جبران خسارات جزء تعهدات عرفی دولت‌ها به شمار می‌روند در غیر اینصورت با نقض تعهدات بین‌المللی، دولت خاالی مسئولیت دارد، ضمناً توسعه قواعد اولیه برای جبران، خصوصی‌سازی مسئولیت را نیز عملی ساخته است.

مسئولیت محض به مثابه سازکاری پیشگیرانه

حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اصولاً بر مبنای نقض تعهدات بین‌المللی آن‌ها استوار است. نظریه خطر، مبنایی که از دیرباز برای جبران خسارات در عدم قرارداد و کنوانسیون‌ها می‌بود که به دنبال یافتن شایسته‌ترین شخص برای جبران زیان‌های وارده است؛ هرکس به فعالیتی بپردازد، محیط خطرناکی برای دیگران به وجود می‌آورد و کسی که از این محیط منتفع می‌شود باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند، مبنای مسئولیت مدنی، مکافات تقصیر نیست؛ عوض سودی است که شخص از فراهم آوردن محیط خطرناک می‌برد. در مواردی که شخص به فعالیت مشروعی دست زده، زیان دیده و او هر دو بی مجازات هستند اما وقتی خسارتی که به بار آمده باید به یکی از

آن دو تحمیل شود. اتفاق، زیان دیده را برگزیده است اما حقوق باید این بی عدالتی را جبران کند زیرا کسی که به فعالیت پرداخته تا از آن سود ببرد از کسی که هیچ نکرده و نفعی نبرده برای تحمل ضرر شایسته تر است. هر فعالیتی به تنهایی در بردارنده مقدار اندکی از خطر برای دیگران است اما اگر فعالیت انجام شده با عوامل دیگری نیز همراه شود خطر می تواند افزایش یابد. در عرصه بین المللی، کمیسیون حقوق بین الملل با کمک از کنوانسیون های خاص مرتبط، در اصل ۴ تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک، مبنای مسئولیت را مسئولیت بدون تقصیر دانسته است که دولت ها برای اطمینان از جبران خسارات فرامرزی، به اتخاذ تدابیر مقتضی از جمله تصویب قاعده حقوقی مشتمل بر مسئولیت بدون تقصیر برای متصدیان فعالیت های خطرناک ملزم شده اند. فعالیت های خطرناک و فوق العاده خطرناک موضوع اصول پیش نویس حاضر، شامل عملیات پیچیده ای هستند که خطر ذاتی ایجاد آسیب های مهم را به همراه دارند. با توجه به فعالیت های تکنولوژیکی بسیار پیچیده که خطرات و عملیات آن ها در صنعت مربوطه به عنوان راز صنعتی محافظت می شود، به صورت گسترده ای پذیرفته شده که تحمیل بار اثبات تقصیر یا غفلت، به خواهان غیرعادلانه و نامتناسب است. در بسیاری از کشورها در هنگام احراز مسئولیت برای فعالیت های بالقوه خطرناک و خطرناک، مسئولیت محض به رسمیت شناخته می شود، به موجب نظام Common Law و حقوق نوشته، صحیح ترین تکنیک جهت توانمندسازی قربانیان فعالیت های خطرناک و یا فوق العاده خطرناک برای اخذ غرامت، برقراری مسئولیت محض برای چنین فعالیت هایی که در آن نیازی به اثبات تقصیر، براساس آنچه که اغلب دلیلی فنی و جزیی بوده و به نوبه خود مستلزم فهم کامل عملیات یا فعالیت از سوی قربانی است، نمی باشد. هنگامی که خواننده بطور یکجانبه خطر را ایجاد کرده باشد، استناد به مسئولیت محض تقویت می شود. در مواردی که خسارت ناشی از فعالیت خطرناک باشد، تعیین مسئولیت محض متصدی در سطح بین المللی منصفانه است. مسئولیت محض در چندین سند به عنوان مبنای مسئولیت تصویب شده است. در میان این اسناد که اخیراً مورد توافق واقع شده اند می توان به ماده ۴ پروتکل کی اف اوکراین، ماده ۴ پروتکل بازل و ماده ۸ کنوانسیون لوگانو (سوئیس) اشاره کرد. در مورد فعالیت هایی که پرخطر نبوده اما خطر ایجاد خسارت ها را به همراه دارند، مسئولیت به تقصیر یا غفلت مرتبط می شود به علاوه، بدلیل اینکه منافع مرتبط ناشی از فعالیت خطرناک، انگیزه صنایع برای انجام فعالیت می باشد که برقراری رژیم های مسئولیت محض، مدیریت بهتر ریسک مربوطه را تشویق خواهد کرد و ممکن است همیشه صدق نکند. اگر فعالیت ها فقط به خاطر سودمندیشان برای اجتماع و لزومشان برای رشد اقتصادی مورد پذیرش قرار گرفته باشند؛ دولت ها ممکن است با کشف جایگزین های مناسب تر زیست محیطی که در عین حال کمتر خطرناک باشند، آن ها را مورد بازنگری قرار دهند. نظریه خطر در رویه معاهداتی دولت ها نیز بطور گسترده ای مورد تأیید قرار گرفته است، در واقع بجز کنوانسیون مسئولیت بین المللی برای خسارات ناشی از اجسام فضایی ۱۹۷۲ مابقی کنوانسیون های تصویب شده درباره مسئولیت مدنی برای آلودگی های نفتی، هسته ای و خسارات ناشی از محصولات نو ترکیب ژنتیکی همگی مسئولیت بدون تقصیر را به عنوان مبنای مسئولیت متصدیان مربوطه برگزیده اند. گستردگی پذیرش نظریه مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت محض در میان نظام های حقوقی، اسناد بین المللی لازم الاجرا و هنجاری، تردیدی در مطلوب بودن این نظریه برای اطمینان از جبران مؤثر خسارات زیست محیطی باقی نمی گذارد بنحوی که شناسایی این نظریه به عنوان اصل کلی حقوق مقبول ملل متمدن، دور از انتظار نمی باشد. مسئولیت محض، کارکردی دوگانه دارد؛ این نظریه نه تنها از طریق معاف کردن قربانی خسارت زیست محیطی ناشی از فعالیت های خطرناک از اثبات تقصیر متصدیان چنین فعالیت هایی به دنبال اطمینان از جبران خسارت فوری و مؤثر است بلکه همچنین درصدد تشویق متصدیان مزبور به پیشگیری از ایراد خسارت های زیست محیطی است در واقع، متصدی با آگاهی از مسئولیت محض خود، به منظور اجتناب از هزینه های جبرانی خطرات ناشی از فعالیت مزبور را بهتر مدیریت خواهد کرد. این مفهوم در حقوق محیط زیست در چارچوب اصل پرداخت توسط آلوده ساز توسعه یافته است.

اصل پرداخت توسط آلوده ساز

برای اولین بار توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه OECD به منظور بازداشتن مقامات عمومی ملی از اعطای سوبسید به شرکت‌های خصوصی برای تأمین هزینه‌های کنترل آلودگی ناشی از فعالیتشان، اعلام شد در عوض، شرکت‌ها باید با تقبل هزینه‌های کنترل آلودگی به میزان لازم مقرر توسط قانون، برون هزینه‌های زیست محیطی ناشی از فعالیتشان را درونی کنند، در عمل هزینه‌های کنترل آلودگی به جای آلوده کنندگان بر کل جامعه تحمیل شده‌اند. فی الواقع یکی از صنایع، آلاینده‌ها را در رودخانه تخلیه می‌کند که حداقل از ۳ راه ممکن است هزینه‌های اقتصادی ناشی از این آلودگی بر کل جامعه تحمیل شود:

- ۱- امکان دارد رودخانه، آلوده باقی مانده و برای برخی از فعالیت‌های پایین دست نامناسب در نظر گرفته شود و در نتیجه ضررهای اقتصادی برای اجتماع ساکن پایین دست به بار آورد.
 - ۲- اجتماع ساکن پایین‌دست رودخانه ممکن است به هزینه خود کارخانه تصفیه آب مناسبی را احداث کند.
 - ۳- آلوده‌ساز ممکن است برای کنترل آلودگی از منابع عمومی سوبسید دریافت کند.
- اجتماع متأثر، هزینه آلودگی و هزینه تدابیر طراحی شده برای رفع و یا کاهش آثار آن را به دوش می‌کشد. اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز با متعهد کردن آلوده ساز به تقبل هزینه‌های کنترل آلودگی از طریق درونی کردن هزینه‌ها، از بروز این نتایج جلوگیری می‌کند در واقع در بیشتر موارد، شرکت با ادغام هزینه‌ها در قیمت تمام شده محصولات تا حدی این هزینه‌ها را به مشتریان تحمیل می‌کند. بنابراین اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز روشی برای درونی کردن برون هزینه‌ها است. برای مثال اشخاصی که بدون پرداخت هزینه پاکسازی هوا از دستگاه‌های هواساز سود می‌برند، دارای برون هزینه مثبت هستند، اگر هوا توسط تولیدکننده‌ای که هیچ هزینه‌ای را متقبل نمی‌شود، ناپاک گردد شاهد برون هزینه منفی هستیم در صورتیکه هزینه آلودگی در قیمت کالاها منعکس نشده باشد، خریداران محصول نیز مانند مسافری مجانی خواهند بود. درونی کردن مستلزم آن است که کلیه هزینه‌های زیست محیطی به جای کل اجتماع بر دوش تولیدکننده/مشتري بار شود. قیمت‌ها در صورتی منعکس کننده تمامی هزینه‌ها خواهند بود که استانداردها یا مالیات‌های قانونی وضع شده بر تولید یا محصول با هزینه حقیقی (نه هزینه واقعی) حفاظت یا خسارات زیست محیطی برابر باشند.

خصوصی سازی مسئولیت

اولین رویکرد، پیشگیرانه نظام مسئولیت بین‌المللی بود و دومین رویکرد، قابل شناسایی خصوصی سازی مسئولیت در این موارد است که شخص خصوصی (با مسئولیت) باید از عهده جبران زیان‌های وارده برآید.

دولتی زدایی مسئولیت در خسارات فرامرزی

مسئولیت بین‌المللی برای نقض‌های تعهدات بین‌المللی زیست محیطی برای اعمال متخلفانه، عمومی است. تعهدات بین‌المللی اعم از تعهدات مربوط به اعمال تصدی یا اعمال حاکمیتی، دولت‌ها مؤلف به رعایت آن‌ها هستند و دولتی که رفتارشان مطابق با تعهدات بین‌المللی نباشد، دارای مسئولیت بین‌المللی شناخته می‌شود. هر چند در عمل، تعهدات ملی و بین‌المللی دولت توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی کارگزار آن ایفا می‌شود اما این اعمال به عنوان عمل آن دولت محسوب می‌شود، به همین دلیل، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی دارای ماهیتی نیابتی یا مبتنی بر نمایندگی است که به طبع مسأله، قابلیت انتساب مطرح که بسیار مهم است؛ زیرا فقط با تعبیه و توسعه ضوابط دقیقی از قابلیت انتساب است که می‌توان اعمال اشخاص متخلفانه ارکان دولت و یا حتی گروه‌های غیردولتی را به عنوان عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، توصیف و مسئولیت بین‌المللی دولت مزبور را احراز نمود. حقوق بین‌الملل عرفی



سال‌هاست که ضوابطی را برای انتساب اعمال متخلفانه به دولت‌ها توسعه داده است. فصل دوم طرح سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی، طی ۸ ماده به تدوین این قواعد عرفی اقدام نموده است. این مواد در ۳ مقوله قابلیت انتساب اعمال ارگان دولتی، اعمال گروه‌های شورشی و غیردولتی و در نهایت قابلیت انتساب رفتاری که بعداً توسط دولت تصدیق می‌شود، قابل طبقه‌بندی است. در کلیه موارد مذکور این دولت است که برای اعمال متخلفانه انتسابی به آن دارای مسئولیت بین‌المللی هست. بررسی حقوق معاهداتی، اسناد کمیسیون حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی دولت‌ها بیانگر رویکرد متفاوتی در تحمیل مسئولیت به متصدیان خصوصی فعالیت‌های خطرناک است که با ۲ دلیل توجیه می‌شود: ۱ - با نظریه خطر به عنوان مبنای مسئولیت برای جبران خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک سازگار است در واقع، شخصی که خطر را ایجاد کرده و به دنبال کسب منفعت اقتصادی است باید نتایج زیان آور کنترل فعالیتش را متحمل شود، چنین شخصی با توجه به غلبه نظام اقتصاد خصوصی در جهان امروز، متصدی فعالیت و فعل زیانبار خود است. ۲ - گستردگی، جبران ناپذیری و ناشناختگی بسیاری از خسارات فرامرزی و بویژه خسارات زیست محیطی در تشویق دولت‌ها به دولتی زدایی مسئولیت در موارد خسارات فرامرزی مؤثر بوده است و نوبه خود به تصویب نظریه مسئولیت محض از سوی دولت‌ها که در آن عموماً مسئولیت به سقف معینی قابل تحدید، کمک کرده است زیرا اکثر متصدیان قادر به جبران کامل خسارت‌های وارده نخواهند بود، از این رو شاهد رویکرد سوم نظام مسئولیت بین‌المللی یعنی جمعی کردن مسئولیت هستیم.

مسئولیت متصدیان فعالیت‌های خطرناک

رژیم‌های قراردادی جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک، در تخصیص مسئولیت به متصدیان خصوصی فعالیت‌های خطرناک، پیشگام هستند. اولین کنوانسیون در این زمینه کنوانسیون شخص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای موسوم به کنوانسیون پاریس است. کنوانسیون پاریس، متصدی را مسئول جبران هر گونه سلب حیات، جراحت، تخریب و آسیب به اموال می‌داند و برای متصدی فعالیت هسته‌ای اعم از شخص خصوصی یا دولتی، مسئولیت محض در نظر گرفته است که نیازی به اثبات تقصیر متصدی نبوده و صرف اثبات رابطه علت میان حادثه و خسارات وارده برای مطالبه مسئولیت متصدی کفایت می‌کند. با وجود شناسایی مسئولیت محض برای متصدیان، این مسئولیت به هیچ وجه به آستانه مسئولیت مطلق نمی‌رسد زیرا مطابق مواد ۴ و ۹ کنوانسیون پاریس، استثنائاتی مانند جنگ و فورس ماژور برای رهایی از مسئولیت پیش‌بینی گردیده است.

متصدی

تحمیل مسئولیت اولیه بر متصدی در رژیم‌های معاهداتی بین‌المللی و حقوق ملی و رویه عرفی بطور وسیعی پذیرفته شده است. مسئولیت متصدی به این دلیل توسعه یافته که شخصی که خطر زیادی را ایجاد کرده و به دنبال منفعت اقتصادی است باید نتایج زیان آور کنترل فعالیت خود را نیز متحمل شود، همین مبنا به یافتن تعریفی نسبتاً دقیق از متصدی نزدیک می‌سازد: متصدی شخصی است که در زمان بروز حادثه منتهی به خسارت فرامرزی، فرمان یا کنترل فعالیت را در اختیار داشته باشد، جامع تر کمیسیون حقوق بین‌الملل متصدی را شخصی می‌داند که کنترل اقتصادی، قانونی و واقعی فعالیت آلوده ساز را به عهده دارد. این اصطلاح می‌تواند دربرگیرنده فردی باشد که قدرتی تعیین کننده نسبت به عملکرد تکنیکی فعالیت به او واگذار شده است که این فرد می‌تواند شامل دارنده مجوز یا دارنده اختیار چنین فعالیتی یا شخص ثبت کننده یا اعلام کننده چنین فعالیتی شود همچنین می‌تواند کمپانی مادر یا دیگر واحدهای مربوط، خواه شرکت یا غیر آن شود، به ویژه زمانی که آن واحد کنترل واقعی عملیات را در دست داشته باشند، متصدی ممکن است واحدی خصوصی یا عمومی باشد.

جمعی کردن مسئولیت

جوامع انسانی، مسئولیت جمعی را بویژه در امور کیفری منسوخ ساخته‌اند. امروزه اصل شخصی مسئولیت، یکی از اصول مهم و زیربنایی حقوق جزا به شمار می‌رود و در قلمرو حقوق مدنی، همچنان مواردی یافت می‌شود که توسل به مسئولیت جمعی را توجیه می‌کند مانند: مسئولیت مدنی برای خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک (عین حال برای جامعه سودمند) که در آن شاهد شخصی زدایی مسئولیت هستیم. پذیرش مسئولیت جمعی اولاً باعث تداوم فعالیت خطرناک سودمند می‌گردد، ثانیاً با تضمین پرداخت غرامت مناسب، از زیان دیدگان بی‌تقصیر حمایت می‌شود و در نهایت با تقسیم خسارت میان جمعی از منتفعین از فعالیت خطرناک، از تحمیل خسارت بسیار سنگین بر متصدیان فعالیت مزبور خودداری می‌کند. بسیاری از خسارات زیست محیطی از چنان ماهیت و گستردگی برخوردارند که در صورت تحمیل آن‌ها بر متصدی فعالیت خطرناک زیانبار، ادامه فعالیت متصدی به لحاظ تجاری غیر ممکن خواهد شد به مانند: در سال ۲۰۱۰ شرکت British Petroleum در هنگام حفر چاهی در اعماق آب‌های خلیج مکزیک باعث ریزش ۷۸۰ میلیون گالن نفت خام به خلیج گردید و منطقه‌ای به شعاع ۱۰۰۰ مایل دریایی را آلوده می‌کند؛ کارشناسان مبلغ تقریبی خسارات وارده را ۴/۵ میلیارد دلار برآورد کردند و آمریکا خواهان ایجاد صندوقی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار برای جبران خسارت کنونی و آتی زیست محیطی شد هر چند این شرکت از غول‌های بزرگ نفتی جهان است اما چنین حجم عظیمی از خسارات قادرست که به راحتی هر متصدی خصوصی را ورشکست کرده و سایر متصدیان را نیز از سودای فعالیت‌های مشابه باز دارد. اساساً یک جامعه برگرد منافع جمعی یا مشترک از یک طرف و تقسیم منصفانه هزینه‌های آن تشکیل می‌شود. اگر فعالیتی برای جامعه یا محیط زیست آن زیانبار اساسی تشخیص داده شود، منطق پرهیز از هزینه‌های بیهوده، مانع از اجرای آن فعالیت خواهد شد. مشکل در جایی بروز می‌کند که فعالیتی خطرناک و البته زیانبار (شیمیایی) منفعی را برای اجتماع داشته یا لازمه توسعه آن جامعه در نظر گرفته شود. در صورتیکه جامعه تصمیم به تجویز فعالیت بگیرد، فقط متصدی فعالیت خطرناک نیست که از افعال سود می‌برد هر چند در مقایسه با دیگر اشخاص، بدو و بیشتر از دیگران منتفع خواهد شد؛ در واقع، علاوه بر متصدی نه تنها کل جامعه بلکه اشخاص بسیاری از آن فعالیت بطور مستقیم و یا غیرمستقیم سود خواهند برد. بسیار ناعادلانه خواهد بود که بر مبنای نظریه خطر، متصدی که نقش مهمی در توسعه جامعه ایفا می‌کند را اصطلاحاً مسئول جبران تمام خسارات وارده بدانیم حتی اطلاق مسئولیت حقوقی برای جبران تمام خسارات وارده از یک فعالیت مشروع زیانبار صحیح به نظر نمی‌رسد؛ در چنین وضعیت‌هایی باید بی‌آنکه به دنبال شناسایی جبران خسارات باشیم، خسارت وارده را به عنوان هزینه‌های توسعه جامعه تقسیم نماییم یا تخصیص هزینه‌ها به انصاف و عدالت حکم می‌کند سهم هرکس براساس میزان سودی که از فعالیت برده مشخص شود.

نظام مسئولیت با اتخاذ ۲ روش به سوی جمعی کردن مسئولیت در جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک حرکت نموده است: ۱ - الزام متصدیان به ارائه تضمین‌های مالی ۲ - بیمه فعالیت خطرناک و تأسیس صندوق‌های جمعی جبران خسارت.

تضمین‌های مالی و بیمه‌ها

بیمه از دستاوردهای نسبتاً جدید جامعه بشری برای تأمین حقوق رفاهی است. مفهوم بیمه در پاسخ به ۲ چالش بعد از دگرگونی صنعتی رشد یافت: ۱- مصائب ناشی از تغییرات صنعتی که حمایت همزمان از تولیدکنندگان و مصرف مردم را گریز ناپذیر می‌نمود و ۲ - لزوم پاسخ به تفکرات خطرناک سوسیالیستی در جوامع غربی. سرمایه داران غربی دریافتند که اگر جامعه صنعتی بخواهد بدون ناآرامی‌های اجتماعی به حیات خود ادامه دهد باید چارچوبی از خدمات عمومی داشته باشد که بیمه یکی از مهمترین سازکارهای آن به شمار می‌رود. نزدیک به یک قرن است که حقوق داخلی بسیاری از کشورها متصدیان برخی از فعالیت‌های خطرناک را ملزم به بیمه خسارات احتمالی می‌کنند. در سطح بین‌المللی نیز تقریباً تمام اسناد و معاهدات، دولت‌های عضو خود را الزام به اطمینان از این مسأله می‌نمایند که

متصدیان فعالیت‌های خطرناکی که با مجوز آن‌ها در حال فعالیتند، از قبل فعالیت خود را تا سقف مسئولیت در نظر گرفته شده، بیمه کرده باشند.

صندوق‌های جمعی

گرایش نظام مسئولیت بین‌المللی به ایجاد صندوق‌های جمعی جبران خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های خطرناک یکی دیگر از جهت‌گیری‌های آن به سوی جمعی نمودن مسئولیت در این موارد می‌باشد. در مقایسه با بیمه‌ها و دیگر تضمین‌های مالی که غالباً به طور شخصی از سوی متصدی انجام می‌شوند، صندوق‌های جمعی در بین شرکای بزرگ یک صنعت خطرناک و زیانبار، عمومی هستند و ممکن است دولت‌ها نیز به تأمین بخشی از وجوه این صندوق‌ها ملزم شوند. صندوق‌های جمعی به بهترین نحو می‌توانند به چالش نظام مسئولیت در جبران خسارت‌هایی مانند آلودگی ناشی از خودروها که در آن امکان شناسایی منبع زیان وجود ندارد پاسخ دهند. به موجب ماده ۱۲ قطعنامه Institute حقوق بین‌الملل با عنوان جبران جمعی، در صورتی که منشأ خسارت زیست محیطی غیرقابل تشخیص باشد یا از واحد مسئول یا دیگر منابع پشتیبان، غرامتی قابل حصول نباشد، رژیم‌های زیست محیطی باید اطمینان حاصل کنند که خسارت، جبران نشده، باقی نخواهد ماند و در صورت اقتضا دول می‌توانند مسأله مداخله صندوق‌های جبرانی خاص یا دیگر سازکارهای جبران جمعی یا ایجاد چنین سازکارهایی را در نظر بگیرند. واحدهایی که مبادرت به انجام فعالیت‌هایی می‌کنند که احتمالاً مولد خسارت زیست محیطی است امکان دارد، ملزم به مشارکت در صندوقی خاص یا دیگر سازکارهای جبران جمعی ایجاد شده به موجب رژیم‌های مسئولیت شوند.

مسئولیت غایی دولت

منشأ فعالیت‌های خطرناک زیانبار نیز موید گرایش نظام مسئولیت به جمعی کردن مسئولیت خسارت‌های ناشی از اعمال منع نشده است که به ۲ شکل قابل تحلیل است: ۱ - مسئولیت مکمل یا تکمیلی دولت مقر یا منشأ فعالیت‌های خطرناک و ۲ - مسئولیت بین‌المللی این دولت برای نقض تعهدات قراردادی و عرفی دربردارنده تکلیف به جبران فوری، مؤثر و کافی خسارت ناشی از اعمال منع نشده. در مورد اول، هرچند دولت‌های عضو کنوانسیون مسئولیت مدنی برای جبران خسارت‌های ناشی از آلودگی نفتی ۱۹۶۹ و اسناد الحاقی آن، از پذیرش هر گونه مسئولیت تکمیلی نسبت به مسئولیت مالکین تانکرهای نفتی یا سهم خاصی برای تأمین وجوه صندوق‌های جمعی امتناع کردند اما در چارچوب پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های هسته‌ای پاریس ۱۹۶۰ و وین ۱۹۶۳ چنین مسئولیتی به صراحت از قبل پیش‌بینی شده است (مقررات موافقتنامه مکمل بروکسل به کنوانسیون پاریس ۱۹۶۳، مقررات پروتکل ۱۹۹۷ برای اصلاح کنوانسیون وین، مسئولیت مدنی برای خسارت هسته‌ای نیز موجود هستند). کنوانسیون وین ۱۹۶۳ با ۲ تفاوت مهم نسبت به کنوانسیون پاریس و موافقتنامه مکمل بروکسل به تصویب رسید؛ ۱. سقف پایین‌تر مسئولیت متصدی و ۲. عدم شناسایی مسئولیت تکمیلی دولت مقر تأسیسات و دولت‌های عضو کنوانسیون. دولت‌های اروپایی عضو کنوانسیون پاریس ۳ ماه قبل، با تصویب موافقتنامه مکمل بروکسل کنوانسیون پاریس، مسئولیت تکمیلی را برای دولت مقر و دولت‌های عضو تصویب نموده بودند؛ دولت‌های امضاء کننده کنوانسیون وین بی‌اعتنا به این توسعه حقوقی، مسئولیت جبران خسارت هسته‌ای را انحصاراً به عهده متصدی گذاشتند، مسئولیتی که هر چند مطلق بود اما سقف پایین آن نشان از عدم تمایل دولت‌های عضو به پذیرش مسئولیت تکمیلی برای جبران کافی خسارت وارده به افراد داشت که ادامه این وضعیت با تصویب پروتکل ۱۹۹۷ اصلاح شد.

بحث و نتیجه گیری

دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل دارای وظیفه پیشگیری هستند که مستلزم حداقل استاندارد مراقبت‌ها می‌باشد. دولت‌ها بر طبق وظایف پیشگیری، متعهدند که انجام فعالیت‌های خطرناک دربردارنده آسیب فرامرزی مهم را فقط براساس مجوز قبلی اجازه دهند و در صورت اقتضا، از ارزیابی‌های پیامدهای زیست محیطی و فرامرزی استفاده نموده و بر چنین پیامدهایی نظارت داشته باشند. انتساب مسئولیت اولیه به متصدی به هیچ وجه دولت را از ایفای وظایف پیشگیری خود به موجب حقوق بین‌الملل معاف نمی‌سازد. بررسی اسناد نشان می‌دهد که چگونه تکلیف دولت‌های مبدأ خسارات به جبران فوری، مؤثر و کافی خسارت ناشی از اعمال منع نشده در حال ورود به بدنه حقوق بین‌الملل عرفی است.

برخلاف مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی، نظام مسئولیت بین‌المللی برای اعمال منع نشده تاکنون نتوانسته است به رژیم عمومی و عرفی نائل شود. این نظام حاوی رژیم‌های قراردادی خاص و متنوعی است که در مواردی مبتلا به جامعه بین‌المللی (آلودگی‌های نفتی، هسته‌ای، ارگانیک‌های نو ترکیب ژنتیکی و ...) توسعه یافته‌اند. هر چند رژیم‌های مذکور متنوع‌اند اما رویکردهای تقریباً یکسانی بر آن‌ها حاکم است که در ۳ مقوله پیشگیری، خصوصی سازی و جمعی کردن مسئولیت طبقه‌بندی می‌شوند. رویکرد پیشگیرانه از سویی باعث توسعه قواعد اولیه مربوط به پیشگیری از خسارات فرامرزی شده که در جای خود امکان توسل به مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض این تعهدات را تقویت می‌کند و از سوی دیگر به تسلط نظریه مسئولیت محض به عنوان مبنای مسئولیت برای اعمال منع نشده، منجر شده است.

رویکرد خصوصی سازی به غیردولتی کردن مسئولیت انجامیده است که بیانگر این واقعیت می‌باشد که دولت‌ها حاضر به پذیرش مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اعمال غیرممنوعه نشده‌اند و این مسئولیت را به متصدیان خصوصی فعالیت‌های خطرناک یعنی اشخاصی که در هنگام بروز حادثه ی زیانبار، بیشترین کنترل را بر فعالیت داشته‌اند، فرو کاسته‌اند.

رویکرد جمعی به مسئولیت در اعمال منع نشده که رویکردی واقع گرایانه و عملیاتی به حساب می‌آید باعث شخصی‌زدایی تدریجی مسئولیت شده است. واقعیت این است که با تحمیل مسئولیت انحصاری به متصدی فعالیت خطرناک، عملاً جامعه از فواید توسعه‌ای چنین فعالیت‌هایی محروم خواهد شد از این رو، نظام مسئولیت از طریق الزام متصدی به بیمه خسارات احتمالی فعالیت و در مواردی ایجاد صندوق‌های جمعی جبران خسارت به سوی جمعی کردن مسئولیت پیشرفته است. شناسایی مسئولیت تکمیلی دولت مقر فعالیت‌های خطرناک برای تقبل آن بخش از خسارت که توسط بیمه متصدی پوشش داده نمی‌شود نیز در همین راستا قابل ارزیابی است.

منابع

۱. ابراهیم گل، علیرضا، مسئولیت بین المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل)، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
۲. بلد سو، رابرت بوسچک، بولسلا، فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه بهمن آقایی، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵.
۳. حلمی، نصرت الله، مسئولیت بین المللی دولت و حمایت سیاسی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
۴. داراب پور، مهراب، مسئولیت های خارج از قرارداد، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
۵. رضائی پیش رباط، صالح، مسئولیت بین المللی دول ناشی از فعالیت های هسته ای صلح آمیز، رساله دوره دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
۶. زمانی، سید قاسم، توسعه مسئولیت بین المللی دولت ها در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست، مجله پژوهش های حقوقی، شماره یک، ۱۳۸۱.
۷. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، چاپ سی و چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۵.
۸. عقیقی، نگار، جبران خسارت در طرح مسئولیت بین المللی دولت ها، رساله دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
۹. کرافورد، جیمز و دیگران، نقدی بر طرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت بین المللی دولت ها برای اقدامات متخلفانه بین المللی، ترجمه زهرا کسمتی، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۲، ۱۳۸۲.

10. African Nuclear Weapon Free Zone Treaty, 1996.

11. Agreement Between India and Pakistan on Prohibition of Attack Against Nuclear Installations and Facilities, December 31, 1988.

12. Alan, E. Boyle, "State Responsibility and International Liability for Injurious Consequences of Acts not Prohibited by International Law", Journal of British Institute of International and Comparative law (ICLQ), No. 39, 1990.

13. Antarctic Treaty, 1959.

14. Anton, Schlogel, "Geneva Red Cross Conventions and Protocols", Encyclopedia of Public International Law, Vol. 3, 2002.

15. Barron J., "After Chernobyl: Liability for Nuclear Accidents under International Law", Columbia Journal of Transnational Law, 25 No. 3, 1987.

16. Commentaries to Draft Articles on Responsibility of States For Internationally Wrongful Acts, Adopted by International law Commission, 2001.

17. Commentaries to the Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, 2001.

18. Commentaries to Draft Principles on Allocation of Loss in the Case of Hazardous Activities, 2006.

19. Convention on Law of the Sea, 1982.

20. Convention on Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter 1974

21. Convention on Third Party Liability in the Field Of Nuclear Energy of July 1960 as amended by the Additional Protocol of 28th January 1964 and by the Protocol.

International responsibility arising from non-prohibited actions (verb) in international affairs and law

Author: Milad Garousi

Master's student of International Law, Islamic Azad University, Tehran Electronic Department

Abstract

Parallel to the classic theories of international responsibility, today a new and opposite theory has been presented in this regard (the theory of responsibility for non-prohibited acts). Contrary to the previous theories about the error and risk that caused compensation, that means first the international obligation should be violated, then the compensation should be made. In the new theory, repairing and compensating for damage is a primary obligation and is not dependent on the realization of a wrongful act, so the mere occurrence of damage by a country is sufficient to create responsibility, even if the behavior or action taken is considered permissible in terms of international law. The underlying factors for the creation of this theory are adaptation to new conditions, permitted activities of countries and environmental factors. Compared to the system of international responsibility of states for international wrongful acts, it is clear that international law in the field of compensation for damages caused by non-prohibited activities is experiencing new and different approaches; Knowing these approaches and studying the causes of their emergence will help a lot to understand the emerging rules of the responsibility system in these cases; 3 approaches of prevention, privatization and collective responsibilities are the main approaches of the international law system in compensating damages caused by non-prohibited acts.

Keywords

International responsibility, compensation for violations, damage, new activities, environment